

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)

سال سی و دوم، دوره جدید، شماره ۵۴، پیاپی ۱۴۴، تابستان ۱۴۰۱

مقاله علمی - پژوهشی

صفحات ۱۱۲-۸۳

روابط ابراهیم خلیل خان جوائشیر قراباغی با حکومت عثمانی^۱

محمد عزیزنژاد^۲

فاطمه جعفرنیا^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۲۲

چکیده

اشغال خانات قریم (کریمه) از سوی روس‌ها و نفوذ و پیشروی تدریجی آنان در مناطق حوزه نفوذ حکومت عثمانی در قفقاز، امنیت مرزهای شرقی آناتولی را به خطر انداخت و موقعیت حساس قفقاز را برای عثمانی‌ها نمایان کرد. در مقیاس محلی نیز رقابت شدیدی بین خان قراباغ با والی تفلیس جریان داشت و با تحت‌الحمایگی ارکلی خان گرجی به روس‌ها، موازنه قوا در قفقاز به نفع او و ضرر ابراهیم خلیل خان قراباغی (حک: ۱۱۷۶-۱۲۲۱ق/ ۱۷۶۲-۱۸۰۶م) تغییر یافت. تهدید، دشمن مشترک و پیوندهای فرهنگی-مذهبی، پایه اولیه روابط خان قراباغ با دولت عثمانی را گذاشت. نگارندگان این پژوهش درصدد پاسخ به این سؤال بوده‌اند که حاکم قراباغ و دولت عثمانی از برقراری روابط با یکدیگر چه اهدافی را دنبال می‌کردند؟

حفظ حکومت محلی قراباغ در مقابل سیاست الحاق‌گرایی ایران و روس و ایجاد توازن قوا در مقابل قدرت‌های محلی، از اهداف خان قراباغ بود. مقابله با نفوذ و توسعه‌طلبی روس‌ها در قفقاز و تأمین امنیت مرزهای آناتولی با کمک قوای حکام محلی با شعار اتحاد اسلام، از برنامه‌های اصلی عثمانی‌ها در نزدیکی به خان قراباغ بود. تبیین ماهیت ارتباط ابراهیم خلیل خان قراباغی با حکومت عثمانی و مشکلات فراروی این روابط، از مسائل این تحقیق است. یافته‌های تحقیق مؤید آن است که فقدان سیاست عمل‌گرای از سوی آن دو، روابط دو طرف را از سطح تبادل سفرا و نامه ارتقا نبخشید. نگارندگان این پژوهش با تکیه بر اسناد آرشیو چاپ عثمانی و منابع تاریخ عثمانی، با رویکرد توصیفی-تحلیلی به بررسی موضوع پرداخته‌اند.

واژه‌های کلیدی: آذربایجان، ابراهیم خلیل خان قراباغی، ایران، عثمانی، روسیه

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/hii.2022.39430.2625

۲. دکتری تاریخ ایران اسلامی (نویسنده مسئول): maziznejad63@gmail.com

۳. استادیار گروه تاریخ دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران: dr.jafarniya@gmail.com

مقدمه

حکومت روسیه برای تحقق دسترسی به دریای سیاه، شروع به مداخله در مناطق قفقاز شمالی و شبه جزیره قریم (کریمه) کرد. این نواحی با داشتن قبایل متنوع و مسلمان، تحت نفوذ سیاسی و معنوی حکومت عثمانی قرار داشت. سیاست توسعه طلبی روس‌ها در حوزه نفوذ عثمانی‌ها، به بروز جنگ‌های قریم (۱۸۵۳-۱۸۵۶م) منتهی شد. برآیند این جنگ خروج قلمرو خانات قریم از نفوذ عثمانی‌ها و رفتن زیر استیلای روس‌ها بود. اقدامات روس‌ها در ساخت استحکامات نظامی در مرزهای قفقاز و نفوذ تدریجی در میان قبایل چرکس، داغستان و گرجستان، مقامات عثمانی را برای مقابله با این فرایند توسعه طلبی روس‌ها به فکر برقراری روابط سیاسی با حکام محلی و رؤسای قبایل مسلمان قفقاز انداخت. دولت عثمانی با توجه به ضعف حکومت زندیه در اعمال قدرت در مناطق قفقاز و آذربایجان و فقدان قدرت مقابله با نفوذ روس‌ها، خود وارد ارتباط با خوانین محلی شد. حوزه قراباغ با حکمرانی ابراهیم خلیل خان جوانشیر از جمله حکام محلی مسلمان بود که در کانون توجه عثمانی‌ها قرار گرفت. در این برهه با توجه به تهدیدهای گوناگون قراباغ از مرزهای شمالی و جنوبی، مهم‌ترین اصل سیاست خان قراباغ حفظ حاکمیت محلی خود به هر قیمت ممکن و خنثی ساختن تهدیدات دشمنان داخلی و خارجی بود. همچنین به سبب داشتن رقابت با قدرت‌های محلی چون فتحعلی خان (حک: ۱۱۷۱-۱۲۰۳ق/ ۱۷۵۸-۱۷۸۹م) حاکم قبه و دربند و ارکلی خان (حک: ۱۱۶۰-۱۲۱۳ق/ ۱۷۴۷-۱۷۸۹م) حاکم تفلیس و اتکای آنان به حمایت روس‌ها، ایجاد روابط با عثمانی‌ها را برای ابراهیم خلیل خان قراباغی ضروری ساخت. در واقع، تهدید و منافع مشترک، اساس روابط عثمانی‌ها با خان قراباغ بود.

سؤال اصلی پژوهش این است که ابراهیم خلیل خان قراباغی و عثمانی‌ها از برقراری روابط با یکدیگر چه اهدافی داشتند؟ حفظ حکومت محلی قراباغ از تهدید الحاق‌گرایی ایران و روس و ایجاد توازن قوا در مقابل قدرت‌های محلی، اهداف خان قراباغ بود. مقابله با روند توسعه طلبی روس‌ها در قفقاز و تأمین امنیت آناتولی با کمک قوای حکام محلی با شعار اتحاد اسلام، هدف عثمانی‌ها در ارتباط با خان قراباغ بود. هدف پژوهش شناسایی ماهیت ارتباط ابراهیم خلیل خان قراباغی با عثمانی‌ها و مشکلات فراروی این روابط است.

منابع مورد استفاده این پژوهش اغلب براساس منابع تاریخی و اسنادی عثمانی است. در نگارش این پژوهش عمدتاً از منابع چاپ آرشیو اسناد عثمانی چون قراباغ در اسناد عثمانی، آذربایجان در اسناد عثمانی، نخجوان در آرشیو اسناد عثمانی و اسناد آرشیوی درباره مناسبات

خوانین ترک آذربایجان با دولت عثمانی^۱ استفاده شده است. این منابع اسنادی مملو از نامه‌های ردّ و بدل شده میان خوانین آذربایجان با دولت عثمانی و گزارش پاشاهای عثمانی از اوضاع سیاسی آذربایجان و ایران در دوره زندیه و قاجاریه است. همچنین به فراخور نیاز از منابع تاریخ‌نگاری عثمانی، چون آثار احمد جودت‌پاشا و نسخه خطی تاریخ نوری استفاده شده است. شیوه پژوهش حاضر مبتنی بر رویکرد توصیفی-تحلیلی است.

پیشینه پژوهش

برخلاف ایران، در ترکیه و آذربایجان درباره روابط خوانین با دولت عثمانی پژوهش‌های متنوعی انجام گرفته است. کتاب قفقاز و سیاست امپراتوری عثمانی از جمال گوگچه، رساله دکتری محمدعلی چاقماق با عنوان «مناسبات ترکیه-آذربایجان در دوره خوانین ۱۷۲۳-۱۸۲۹م»^۲ از دانشگاه غازی آنکارا (۱۹۹۶)، «فعالیت خوانین قفقاز در جنگ عثمانی-روس ۱۷۸۷-۱۷۹۲م»^۳ پایان‌نامه کارشناسی ارشد از امره نوسل از دانشگاه تراکیا (۲۰۱۵)، به شکل گسترده به روابط دولت عثمانی با حکام محلی و قبایل داغستان و چرکستان پرداخته‌اند. در این تحقیقات به شکل محدود و به فراخور نیاز، مختصراً به بحث خان قراباغ با دولت عثمانی اشاره شده است. در آذربایجان کتاب علایق سیاسی خوانین آذربایجان با دولت عثمانی (۲۰۰۲)^۴ از گون‌تکین نجفلی و مقالات «مراحل آغازین روابط آذربایجان-عثمانی در قرن هجدهم میلادی»^۵ در مجله مرکز مطالعات کارا دینز (۲۰۰۴)، «مناسبات خان‌نشین قراباغ با دولت عثمانی»^۶ در کنگره «تاریخ ترک» (۲۰۰۶) از توفیق مصطفی‌زاده، «روابط قراباغ-عثمانی تا اشغال روسیه»^۷ از بلال ده‌دیف در مجله دانشگاه قفقاز (۲۰۱۰) و «مناسبات آذربایجان شمالی با عثمانی در دوره خوانین»^۸ از داداش مطلیم‌اف در مجله مؤسسه علوم اجتماعی (۲۰۱۵) پژوهش شده است. خانم نجفلی عمدتاً با استفاده از منابع و اسناد روسی و عثمانی به شکل عام به بحث مناسبات کل خوانین با عثمانی پرداخته است. توفیق مصطفی‌زاده، داداش مطلیم‌اف و بلال ده‌دیف از اسناد و منابع عثمانی کمتر بهره‌برده‌اند و کار آنان تکراری و اقتباس از خانم نجفلی است. تنها حُسن پژوهش ده‌دیف، برجسته کردن نقش فرهنگی عالمان

۱. این منبع اسناد چاپ آرشیو عثمانی دو جلدی در متن مقاله با نام (Belgeleri) آمده است.

2. Hanlıklar Devrinde Azerbaycan-Türkiye Münasebetleri (1723-1829).
3. Osmanlı-Rus savaşında Kafkas Hanlıklarının faaliyetleri (1787-1792).
4. Azərbaycan xanlıqlarının Osmanlı dövləti ilə siyasi əlaqələri.
5. 18.yy'da Osmanlı-Azərbaycan ilişkilerinin başlıca mərhələləri.
6. Karabağ Hanlığı və Osmanlı devleti ilə ilişkilerine dair.
7. Rus işğalına qədər Qarabağ-Osmanlı dövləti münasibətlərində dair.
8. Hanlıklar döneminde kuzey Azərbaycanın Osmanlı ilə siyasi ilişkileri.

دینی قراباغ در عثمانی است. در ایران نیز اخیراً مقاله‌ای با عنوان «بررسی مواضع و مناسبات خان‌نشین قراباغ در قبال سیاست‌های دولت عثمانی» از میرصمد موسوی در مجله «تاریخ‌های محلی ایران» (۱۳۹۷) چاپ شده است. در این پژوهش به وضوح می‌توان اقتباس از مطالب پژوهشگران ترک و آذربایجانی را دید و نویسنده از منبع قراباغ در اسناد عثمانی هم به صورت محدود استفاده کرده است. پژوهش‌های مذکور موفق به بررسی دقیق گزارش‌ها در این باره نشده‌اند، اما در پژوهش حاضر بر بحث روابط ابراهیم خلیل خان قراباغی با حکومت عثمانی با اتکای منابع اسنادی و تاریخ عثمانی تمرکز شده است.

جنگ قریم و ضرورت ارتباط دولت عثمانی با ابراهیم خلیل خان قراباغی

دولت‌های عثمانی و روسیه بر سر مناطق لهستان، قبارطای و شبه‌جزیره قریم (کریمه) در حال رقابت بودند، اما مداخله روس‌ها در امور داخلی لهستان (۱۱۸۲ق/۱۷۶۸م)، به اعلان جنگ عثمانی‌ها منجر شد و این‌گونه جنگ شش ساله قریم (۱۱۸۲-۱۱۸۸ق/۱۷۶۸-۱۷۷۴م) میان دو دولت آغاز شد (اسعد افندی، ۱۳۲۱: ۸۱؛ کامل‌پاشا، ۱۳۲۷: ۱۶۸/۲). موقعیت حساس قفقاز به سبب مجاورت با نواحی مذکور و نزدیکی به عرصه جنگ دو کشور، برای نخستین بار در کانون توجه دولت‌های درگیر قرار گرفت. وجود دشمن مشترک و اشتراکات فرهنگی-مذهبی، زمینه هم‌گرایی روس‌ها با گرجی‌ها و عثمانی‌ها با حکام مسلمان محلی چون خان قراباغ شد (عزیزنژاد، ۱۳۹۵: ۷۱). روس‌ها با اعطای هدایایی حاکمان گرجی را وارد جنگ علیه عثمانی‌ها کردند (راسم، ۱۳۲۷-۱۳۲۹: ۱۱۰۰/۳). مقاصد دولت روسیه از نزدیکی با حکام گرجی، ایجاد جبهه انحرافی برای کاستن از فشار نظامی عثمانی در شرق اروپا و تهدید مرزهای قفقاز و آناتولی بود (Gvosdev, 2000: 29-30). به نوشته عبدالرحمن شرف، دولت روسیه در ممالک محروسه تعدادی از رعایای غیرمسلمان را به ایجاد آشوب تحریک می‌کرد (شرف، ۱۳۱۵: ۱۷۹/۱-۱۸۰). بنابراین دولت روسیه با چنین هدفی در سال ۱۱۸۳ق/۱۷۶۹م. نیروی خود را وارد تغلیس کرد (Gvosdev, 2000: 34). ورود قوای روسی به گرجستان، حکومت زندیه و خوانین آذربایجان را به تشویش انداخت (Butkov, 1869: 2/188). روس‌ها برای رفع نگرانی ابراهیم خلیل خان قراباغی و ممانعت از گرایش او به دولت عثمانی، اعلام کردند قصد تعرض به قلمرو حکمرانی او را ندارند و ماهیت قوای روسی صلح‌آمیز است (Nəcəfli, 2002: 19). این اقدام روس‌ها منطقه قفقاز و به تبع آن خوانین محلی آذربایجان چون خان قراباغ را در کانون توجه عثمانی‌ها قرار داد (عزیزنژاد، ۱۳۹۵: ۷۴). حکومت عثمانی برای مقابله با نفوذ روس‌ها و تجاوز ارکلی خان به مرزهای خود، خواستار ممانعت از همکاری او با روس‌ها

توسط کریم‌خان زند شد (آصف، ۱۳۵۲: ۲۱۰)، اما دولت زندیه به سبب فقدان ابزار لازم برای اعمال بازدارندگی، صرفاً به ارسال اخطار کتبی بر بی‌طرفی ایران و عدم مداخله خان قفلیس اکتفا کرد (عزیزنژاد، ۱۳۹۸: ۳۵). عثمانی‌ها با توجه به ضعف حکومت ایران، خود وارد عمل شدند و شروع به روابط با خوانین مسلمان قفقاز کردند (Nəcəfli, 2002: 18). بر همین اساس، در سال ۱۱۸۳/۱۷۶۹م. سلطان عثمانی ایلچسانی به سوی خوانین آذربایجان چون ابراهیم خلیل‌خان قراباغی اعزام کرد (Butkov, 1869: 2/194-195). هدف عثمانی از ارتباط با خان قراباغ، ایجاد ائتلاف نظامی از نیروهای محلی مسلمان علیه اتحاد روسی-گرجی بود؛ زیرا تأمین امنیت مرزهای عثمانی بستگی به خوانین آذربایجان داشت (Nəcəfli, 2002: 26).

گفتنی است جنگ سال‌های ۱۱۸۲-۱۱۸۸/۱۷۶۸-۱۷۷۴م. عثمانی با روس‌ها با انعقاد معاهده «کوچوک قینارجه» (۱۱۸۸/۱۷۷۴م) خاتمه یافت. طبق این قرارداد، عثمانی‌ها استقلال تاتارهای قریم را به رسمیت شناختند و در مقابل، روس‌ها نیز نیروهای خود را از گرجستان خارج کردند (شرف، ۱۳۱۵: ۱۸۸/۱-۱۸۹؛ اسعد افندی، ۱۳۲۱: ۸۴). گفتنی است که عثمانی‌ها تا سده هجدهم میلادی، یعنی تا زمان از دست دادن قریم، تقویت منطقه و ایجاد سیستم دفاعی در منطقه قفقاز شمالی را به سبب دور بودن این مناطق از قلمرو اصلی حکومت عثمانی ضروری تشخیص نمی‌دادند (Oreshkova, 2015: 216)، اما از دست رفتن قریم و آغاز تعدی تدریجی روس‌ها در داغستان، گرجستان و احساس خطر از آناتولی، اهمیت قفقاز را برای عثمانی‌ها آشکار ساخت (جودت‌پاشا، ۱۲۹۶: ۱۳۵/۳)؛ زیرا قفقاز موقعیت سوق‌الجیشی مهمی در شرق مرزهای عثمانی داشت (گوگچه، ۱۳۷۳: ۵۲).

در اواخر جنگ روس-عثمانی، کریم‌خان زند از تحلیل قوای دولت عثمانی با روس‌ها استفاده کرد و سال ۱۱۸۹/۱۷۷۵م. بندر بصره را تصرف کرد که به تنش میان دو کشور انجامید (جودت‌پاشا، ۱۲۹۶: ۱۱۰/۱؛ شرف، ۱۳۱۵: ۱۹۵/۱؛ کامل‌پاشا، ۱۳۲۷: ۲۰۱/۲). پیشتر روس‌ها با کریم‌خان وارد مکاتبات شده بودند و قصد طرح تهاجم نظامی جدید از دو جبهه (روس‌ها از روم‌ایلی و دولت زند از آناتولی) علیه عثمانی را داشتند که مرگ خان زند این طرح آنان را منتفی کرد (جودت‌پاشا، ۱۲۹۶: ۱۸۰/۱؛ کامل‌پاشا، ۱۳۲۷: ۲۰۰/۲، ۲۰۲). در این مقطع، عثمانی‌ها که در موضع ضعف قرار داشتند، ابتدا سیاست مدارا با دولت زندیه را در پیش گرفته بودند (جودت‌پاشا، ۱۲۹۶: ۱۱۲/۱-۱۱۳؛ راسم، ۱۳۲۷-۱۳۲۹: ۱۰۵۰/۳). در ضمن به سبب احتمال تجاوز قوای زند به ایالت ارضروم، ابراهیم‌پاشا را به سرعسگری آن ایالت انتخاب و او را به ایجاد روابط دوستانه با خوانین آذربایجان و جلب همکاری آنان توصیه کردند (Osmanli belgelerinde Azerbaycan, 2015: 162).

در آغاز عثمانی‌ها برای حل بحران بصره با زندیه، درصدد اطلاع از میزان نفوذ و قدرت کریم‌خان زند در قفقاز و چگونگی ارتباط او با خوانین آذربایجان به‌ویژه خان قراباغ برآمدند؛ زیرا در صورت وقوع جنگ، از احتمال همکاری آنان با خان زند نگران بودند. بنابراین برای اخذ موضع بی‌طرفی خوانین، با ارسال نامه‌هایی به خان قراباغ و دیگر خوانین، ماهیت تجاوزگری و عدم رعایت حق هم‌جواری حاکم زند را به اطلاع آنان رساندند و برای جلب قلوب آنان، هدایایی نیز اهدا کردند (جودت‌پاشا، ۱۲۹۶: ۱۲۵/۱). این دومین همکاری ابراهیم خلیل خان قراباغی با عثمانی‌ها در مسئله بصره بود.

از دست رفتن قریم و افزایش نفوذ تدریجی روس‌ها در قفقاز و همکاری با دولت زندیه (راسم، ۱۳۲۷-۱۳۲۹: ۱۰۵۸/۳)، نظر عثمانی‌ها را به ایجاد روابط مستحکم با حکام آذربایجان، به‌خصوص خان قراباغ مصمم کرد؛ زیرا برای مقابله با توسعه‌طلبی روس‌ها، درصدد استفاده از قوای نظامی آنان در طرح اتحاد اسلامی برآمدند. بنابراین در اولین گام سلیمان‌پاشا والی چلدر را به سبب هم‌جواری با قفقاز و گرجستان، به عنوان نماینده سیاسی-نظامی آن نواحی منصوب کردند (Belgeler, 1992: 1/132). همچنین نظر به عدم شناخت کافی از اوضاع سیاسی منطقه، والی چلدر را به تهیه گزارش از وضع آذربایجان و داغستان مأمور کردند (جودت‌پاشا، ۱۲۹۶: ۱۲۴/۲). سلیمان‌پاشا نیز سفرا و جاسوسانی چون خلیل افندی از علمای معتبر را برای تهیه گزارش و آگاه کردن خوانین از خطرات روس‌ها و تشکیل اتحادی از قوای آنان حول اتحاد اسلام، به آن نواحی اعزام کردند (۱۱۹۸ق/۱۷۸۴م) (Osmanli belgelerinde Karabağ, 2009: 81). خلیل افندی از نزدیک با تمام خوانین دیدار کرد و چند روزی را هم در شوشا مقر خان قراباغ توقف کرد (Osmanli belgelerinde Azerbaycan, 2015: 179). گزارش‌های او از حیث کیفیت شناخت اوضاع منطقه و قدرت نظامی-مالی خوانین، نخستین منبع اطلاع عثمانی‌ها از قفقاز محسوب می‌شد.

خلیل افندی در گزارش خود ابراهیم خلیل خان قراباغی و احمدخان خوبی را به لحاظ قوت نظامی، برتر از دیگر حکام محلی عنوان کرد که در صورت اتحاد آن دو از طریق ایجاد قرابت، اتحادی حول آن دو با دیگر حکام آذربایجان شکل خواهد گرفت (Osmanli belgelerinde Karabağ, 2009: 81)؛ زیرا خوانین آذربایجان با خان خوی دارای وصلت سیاسی و تابع امر او بودند؛ همچنین امرای داغستان چون عم خان لژی و طوایف شاهسون بر حسب وصلت سیاسی با ابراهیم خلیل خان متحد و تحت امر او بودند و چنانچه کدورتی با خان تفلیس رخ می‌داد، با اشاره خان قراباغ امرای داغستان، گرجستان را مورد تاخت و تاز قرار می‌دادند (جوانشیر قره‌باغی، ۱۳۸۴: ۱۰۹؛ قراباغی، ۱۳۹۰: ۱۷۵-۱۷۸).

ابراهیم خلیل خان در حضور ایلچی والی چلدر، وفاداری خود به دولت عثمانی را اعلام کرد (Osmanli belgelerinde Karabağ, 2009: 81-83).

سلیمان پاشا نیز در وصف خان قراباغ به دولت عثمانی آورده است: «در بین خوانین آذربایجان از نظر قوت مالیه و عسکریه غالب است و نواحی اردبیل، قراداغ و مغان تحت حکمرانی او قرار دارد. اگر از عنایت دولت عثمانی مأیوس گردد، ضرورتاً به تبعیت از روس‌ها تن خواهد داد» (Osmanli belgelerinde Karabağ, 2009: 405; Osmanli belgelerinde Karabağ, 2009: 183). والی چلدر موضع او در قبال عثمانی را در قیاس با امرای سنی مذهب آذربایجان متزلزل توصیف کرده است؛ زیرا جاسوسان او گزارش‌هایی از مراودات خان قراباغ با روس‌ها در دست داشتند. روس‌ها از خان قراباغ توقع اقدام مشابه چون ارکلی خان را داشتند و خواستار آن بودند که او نیز همانند خان تغلیس یکی از نزدیکانش را به نشانه اطاعت به مسکو روانه کند و استمرار حکمرانی خود را تضمین کند (Osmanli belgelerinde Karabağ, 2009: 183). در این برهه، رقابت شدید بین روس-عثمانی برای جلب حکام محلی جریان داشت.

ابراهیم خلیل خان که از قدرت روزافزون ارکلی خان به پشتوانه روس‌ها در هراس بود، نگرانی‌اش را با والی چلدر در میان گذاشت و افزود: «ارکلی خان با حمایت روس‌ها مغرور گشته و ادعای شاهی و استیلا بر ممالک محروسه ایران را دارد؛ زیرا ایران به مثابه یتیم بی‌کس می‌ماند و غیر از دولت عثمانی پناهگاهی ندارد» (Osmanli belgelerinde Karabağ, 2009: 405).

خان قراباغ در پاسخ به سفر خلیل افندی، میرزا محمدبیگ را نزد سلیمان پاشا فرستاد. سلیمان پاشا نیز ابراهیم افندی را به اتفاق ایلچی خان قراباغ به دربار عثمانی اعزام کرد (۱۹۸۴ق/ ۱۷۸۴م) (Belgeleri, 1992: 1/101). هدف ابراهیم خلیل خان پاسخ به دعوت همکاری عثمانی و ایجاد اتحاد علیه ائتلاف گرجی-روسی و جلب حمایت در قبال تهدیدهای خان تغلیس بود (Osmanli belgelerinde Karabağ, 2009: 83). این اولین تماس مستقیم او با سلطان عثمانی بود. ابراهیم خان با استناد به آیه «أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ»^۱ اطاعت از «اولی الامر» را بر همه اهل اسلام «فرض عین و عین فرض» قلمداد کرد و بر حسب این آیه، فرمان‌برداری خود را اعلام کرد. او خدمت در رکاب سلطان عثمانی را مایه سرفرازی دانست و آمادگی خود را برای انجام هرگونه فرمانی بیان کرد (Ibid: 406). خان قراباغ عدم

۱. سوره نساء، آیه ۵۹.

تقدیم عریضه به آستانه سلطان تا این مقطع را ناشی از عدم جسارت خود عنوان کرد که از این سعادت محروم شده است. او به روابط حسنه با پاشای چلدر اشاره کرد و افزود با سلیمان پاشا پیوسته در مکاتبه است و تاکنون از او مغایرتی ندیده است. خان از سلطان خواستار قرار دادن او در سلک غلامان همایونی شد و برای قدرت‌نمایی خود اعلام کرد خوانین آذربایجان با او همراهی دارند و نافرمانی از درگاه همایونی جایز نیست (Ibid).

خان قراباغ بیشترین مراوده سیاسی را با والی چلدر داشت. سلیمان پاشا نماینده عثمانی‌ها در قفقاز بود و مرتب تحولات منطقه را به اطلاع می‌رساند. تبادل نامه و سفیر، بارزترین وجه روابط آنان را شکل می‌داد؛ چنان‌که داشتن ارتباط مستحکم و عقد اخوت با والی چلدر، در نامه‌های خان قراباغ مکرر آمده است (Ibid: 407). عثمانی‌ها به دنبال استقبال خوانین آذربایجان از طرح اتحاد اسلامی، برای تعمیق روابط و جلب قلوب آنان، هیئتی با هدایایی به ریاست ابراهیم افندی به آذربایجان اعزام کردند (۱۹۸ق/۱۷۸۴م) (Ibid: 86).

ابراهیم خلیل خان در سال ۱۹۸ق/۱۷۸۴م. نامه‌ای به صدراعظم عثمانی ارسال کرد (جودت پاشا، ۱۳۰۷: ۵۵) و مراتب سپاس خود از ارسال هدایای همایونی و تحویل آن از سوی والی چلدر را اعلام کرد و افزود: «چنانچه ارکلی خان با احتساب تبعیت از روس‌ها به حدود ممالک آذربایجان و به‌ویژه قلعه ایروان تجاوز کند، طبق فرمان حکومت عثمانی، خوانین آذربایجان و داغستان با همراهی پاشاها در دفع دشمنان دین اهتمام خواهند کرد. در صورت صدور حکم سلطان عثمانی، آمادگی خود برای بذل جان به اتفاق دیگر خوانین را اعلام و آن را از واجبه ذمه دانست» (Osmanli belgelerinde Karabağ, 2009: 410). همچنین به صدراعظم عثمانی اطلاع داد خان تفلیس با همکاری روس‌ها در حال ساخت جاده‌ای به نام «آنانور» از ناحیه چرکس است و قصد دارد با کمک روس‌ها به حدود ممالک اسلامی تجاوز کند؛ به همین دلیل خواستار مساعدت عثمانی‌ها برای مقابله با این تجاوز شد (Ibid).

نزاع مستمر حکام آذربایجان با یکدیگر، از موانع عمده فرا روی عثمانی‌ها در ایجاد قوای نظامی برای تحقق اتحاد اسلامی بود (قدسی ایروانی، [بی تا]: ۱۲۵-۱۲۶). این امر در گزارش جاسوسان و پاشاهای عثمانی نیز به صراحت آمده است؛ چنان‌که خلیل افندی با اشاره به اختلاف ابراهیم خلیل خان و فتحعلی خان قبه افزوده است: «در آستانه استیلای اعدای دین، نزاع شدیدی بین خانان قراباغ و قبه جریان داشت، اما اوسمی خان از امرای داغستان، با اظهار اینکه خصومت با یکدیگر در شأن اسلام نیست، بین آنان وساطت کرد» (Osmanli belgelerinde Karabağ, 2009: 404). همچنین سلیمان پاشا در گزارشی (۱۹۳ق/۱۷۷۹م) خبر از آمادگی حاکم قبه و امرای داغستان برای تهاجم گسترده به قراباغ داد و از دولت عثمانی خواستار

فرمانی مبنی بر عدم معاونت امرای داغستان به خان قبه شد؛ زیرا ابراهیم خان قراباغی را «عبدی صادق دولت علیه» دانست (Osmanlı devleti ile Kafkasya Hanlıkları Arasındaki Münasibetlere Arşiv Belgeleri, 1992: 69). با وجود تلاش عثمانی‌ها برای رفع اختلاف، در سال ۱۱۹۴ق/۱۷۸۰م. میان آنان درگیری رخ داد (قراباغی، ۱۳۹۰: ۱۷۵). حتی دامنه تجاوز ابراهیم خلیل خان طی سال‌های ۱۱۹۳-۱۱۹۶ق/۱۷۷۹-۱۷۸۲م. تا محدوده رشت و تبریز هم کشیده شد که به تیرگی روابط با احمدخان خوبی منتهی گردید (Osmanli belgelerinde Karabağ, 2009: 413-415). سیاست تجاوز و توسعه طلبی خان قراباغ، دامن عثمانی‌ها را هم گرفت. در سال ۱۱۹۶ق/۱۷۸۲م. روستاهای بایزید دستخوش غارت قوای قراباغ قرار گرفت و به اختلاف حاکم ایروان و پاشای بایزید منتهی شد، اما با وساطت حاکم ارضروم و تفحص حادثه، معلوم شد کار قوای قراباغ بوده است (Ibid: 416؛ قدسی ایروانی، [بی تا]: ۱۲۷-۱۲۸). این قبیل اقدامات خان قراباغ و دیگر خوانین، توجه آنان را از خطر روس‌ها منحرف می‌کرد. درحالی که این وضع مطلوب روس‌ها بود، اما با سیاست عثمانی در تضاد قرار داشت. از این رو، والی چلدر با ارائه گزارشی درباره اختلاف خان‌ها با یکدیگر، از حکومت مرکزی خواستار رفع اختلاف حکام داغستان و آذربایجان با ابراهیم خلیل خان شد. هدف اصلی دولت عثمانی، گوشزد کردن خطر حمله روسیه بود (قدسی ایروانی، [بی تا]: ۱۲۷-۱۲۸؛ گوگچه، ۱۳۷۳: ۱۳۸-۱۴۰).

تحت‌الحمایگی گرجستان به روس‌ها و تکاپوی عثمانی‌ها برای همکاری مشترک با خان قراباغ

روس‌ها پس از تحمیل استقلال حکمرانی تاتارهای قریم به حکومت عثمانی، با ایجاد اختلاف بین خاندان «گرای» قریم زمینه اشغال این جزیره را فراهم کردند. روس‌ها از اغتشاش داخلی قریم استفاده و به بهانه برقراری نظم و امنیت، آنجا را اشغال کردند (۱۱۹۷ق/۱۷۸۳م) (جودت‌پاشا، ۱۲۹۶: ۱۵۱/۱، ۱۵۳؛ همو، ۱۳۰۷: ۴۵؛ شرف، ۱۳۱۵: ۵۳۲/۱). عثمانی‌ها هنوز از دست رفتن قریم برایشان ناگوار بود که این اشغالگری روس‌ها بر شدت خشم آنان افزود (کامل‌پاشا، ۱۳۲۷: ۲۰۰/۲، ۲۲۰). در کنار این، خبر تحت‌الحمایگی گرجستان طبق قرارداد «گئورگیوفسک» (۱۱۹۷ق/۱۷۸۳م) به روس‌ها، زنگ خطر را برای عثمانی به صدا درآورد و بستر جنگ دیگری را مهیا کرد (جودت‌پاشا، ۱۲۹۶: ۱۲۲/۲). خان تفلیس برای تثبیت موقعیت سیاسی خود در گرجستان و رفع تهدیدات مداوم قوای مسلمانان در قفقاز جنوبی، سیاست نزدیکی به حاکمان روسیه را در پیش گرفت (صدقی و عزیزنژاد، ۱۳۹۲: ۹۴). هدف روس‌ها

نیز برچیدن پادشاهی گرجستان، تبدیل تفلیس به پایگاه حکومت استعماری جدید، ایجاد ساختار استعماری و تغییر نظم سیاسی در جنوب قفقاز بود (مرشدلو، ۱۳۹۸: ۱۵۲). نتیجه این قرارداد، وضعیت سیاسی منطقه قفقاز و موازنه قدرت را به نفع گرجیان تغییر داد (صدقی و عزیزنژاد، ۱۳۹۲: ۹۴).

گفتنی است روس‌ها از مدت‌ها پیش با همکاری گرجی‌ها در حال ساخت جاده آنانور از کوهستان‌های چرکستان به گرجستان بودند (جودت‌پاشا، ۱۳۰۷: ۵۵). عثمانی‌ها و خوانین آذربایجان از این طرح روس‌ها و خان تفلیس اطلاع داشتند. حتی خان قراباغ نگرانی خود از این بابت را به عثمانی‌ها اعلام کرده بود (Belgeler, 1992: 1/84,96). ارکلی‌خان به پشتوانه روس‌ها و با سودای استیلا بر آذربایجان، نامه‌هایی برای جلب خوانین ارسال کرد و آنان را در صورت نافرمانی، به حمله نظامی تهدید کرد (Ibid). در این برهه، در سطح محلی بین خان تفلیس و ابراهیم خلیل‌خان رقابت جریان داشت. در واقع، قرارداد مذکور توازن قوا را به نفع ارکلی‌خان و به ضرر خان قراباغ تغییر داده بود. این امر در برقراری ارتباط تنگاتنگ او با عثمانی‌ها نیز سهم عمده‌ای داشت.

والی چلدر به نیابت از عثمانی در اعتراض به قرارداد مذکور، ایلچی به تفلیس فرستاد (۱۹۷ق/۱۷۸۳م). خان تفلیس بر رعایت حق هم‌جواری و پایبندی به مصالحه روس-عثمانی تأکید کرد و ورود قوای روسی را به منظور دفع لزگی‌ها اعلام کرد که از قدیم‌الایام بین آنان دشمنی وجود دارد. همچنین هدف دیگر روس‌ها را استرداد مبلغ نه میلیون تومان استقراسی ذکر کرد که در زمان نادرشاه افشار به دولت ایران در قبال رهن شهرهای باکو، گیلان، شکی و شیروان داده شده بود و در صورت عدم پرداخت مبلغ مذکور از سوی ایران، روس‌ها شهرهای نام‌برده را اشغال می‌کردند (Osmanli belgelerinde Karabağ, 2009: 421). خان تفلیس از عثمانی‌ها خواستار عدم استمداد به ممالک ایران شد و افزود با وجود عدم کمک ایران به عثمانی‌ها، چرا دولت عثمانی قصد مساعدت به آنان را دارد؟ (Ibid: 422).

سلیمان‌پاشا در گزارش خود از اوضاع ایران، از اطاعت خان تفلیس به روس‌ها خبر داد و با انتقاد از فقدان حکومت در ایران و اختلاف خوانین آذربایجان، افزود شایسته است حکومت عثمانی با ارسال نامه و هدایایی آنان را برحسب غیرت دینی به اتحاد اسلامی تحریک کند (۱۹۷ق/۱۷۸۳م) (جودت‌پاشا، ۱۲۹۶: ۲۰۰/۳). والی چلدر هدف خان تفلیس از تبعیت روس‌ها را استیلا بر منطقه و اعلام شاهی دانست (Osmanli belgelerinde Azerbaycan, 2015: 178). عثمانی‌ها به خواست سلیمان‌پاشا نامه‌ای به ابراهیم خلیل‌خان فرستادند و در آن عقد پیمان حاکم گرجی با روس‌ها و تلاش آنان برای جلب خوانین آذربایجان را خبر دادند.

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)، سال ۳۲، شماره ۵۴، تابستان ۱۴۰۱ / ۹۳

همچنین با اعلان اعطای رتبه سپهسالاری به احمدخان خوبی، بر لزوم همکاری خان قراباغ با خان خوی و پاشاهای عثمانی، برای مقابله با تجاوز احتمالی روس‌ها به مرزهای ایران و عثمانی تأکید کردند و حمایت از دنیای اسلام را بر همه مومنان واجب دانستند (۱۹۸ق/۱۷۸۴م) (Osmanli belgelerinde Karabağ, 2009: 426). حکومت عثمانی همچنین با تأکید بر هوشیاری خان قراباغ در مقابل توطئه روس‌ها، خواست تا فریب اظهارات دوستی آنان را نخورد؛ زیرا هدف روس‌ها از این اظهارات را جلب دوستی او و انقضای بنیان دول اسلامی دانست و مجدداً بر ضرورت مکاتبات و همکاری مستمر با والی چلدر را به خان قراباغ خاطرنشان ساخت و تأکید کرد که دائماً اوضاع خان تفلیس و روس‌ها را زیر نظر بگیرد و از آنان غافل نباشد (Ibid). در سال ۱۹۸ق/۱۷۸۴م. عثمانی‌ها با استقبال از ایلیچی ابراهیم خلیل‌خان، او را با دادن هدایایی مورد لطف قرار دادند و مبالغی نیز برای بازگشت در اختیارش گذاشتند (Ibid: 427-429).

حکومت عثمانی به دنبال قرارداد تحت‌الحمایگی خان تفلیس به روس‌ها، بر شدت روابط خود با خوانین آذربایجان افزود. ارسال نامه همراه با هدایا به تک تک خوانین مقتدر آذربایجان چون قراباغ را در دستور کار قرار داد و رونوشت نامه‌های خود به خان قراباغ را به دیگر خوانین آذربایجان و داغستان فرستاد تا در جریان اخبار تحولات قفقاز قرار گیرند (Ibid: 426, 431-432). عثمانی‌ها از اقدام خوانین آذربایجان به سان ارکلی‌خان نگران بودند؛ زیرا از ارسال نامه روس‌ها برای جلب و فریب آنان خبر داشتند. روس‌ها از آنان خواستار ارسال گروگان همچون خان تفلیس شده و اخطار داده بودند که خصومت با خان تفلیس به منزله خصومت با دولت روسیه است (Osmanli belgelerinde Azerbaycan, 2015: 178-179). بنابراین عثمانی‌ها برای ختنی‌سازی توطئه روس‌ها و بیداری خوانین آذربایجان، به مکاتبه مستقیم با خوانین مقتدری چون ابراهیم خلیل‌خان روی آوردند. اساس مضامین نامه‌های عثمانی عبارت از افشای توطئه روس‌ها، عدم فریب اظهارات دوستانه، ضرورت اطلاع‌رسانی و همکاری با پاشاهای عثمانی در دفع دشمنان اسلام در صورت تجاوز به ممالک اسلام بود (Osmanli belgelerinde Karabağ, 2009: 426, 431-432, 435). عثمانی‌ها برای ممانعت از گرایش خان قراباغ و سایر خوانین به روس‌ها، سرنوشت تلخ خاندان گرای قریم و نحوه اغفال آنان از سوی روس‌ها را یادآوری کردند؛ تا آینه عبرت آنان شود (Ibid: 431)؛ جودت‌پاشا، ۱۲۹۶: ۲۰۱/۳). همچنین والی چلدر رونوشتی از قرارداد گئورگیوفسک را به منظور روشن‌نگری مقاصد اصلی روس‌ها به خان قراباغ ارسال کرد تا از مفاد آن آگاه باشد (Osmanli belgelerinde Azerbaycan, 2015: 179; Belgeleri, 1992: 1/123).

سیاست جلب قلوب خان قراباغ با اختصاص هدایا برای جلوگیری از گرایش به روس‌ها، کماکان در برنامه‌های عثمانی قرار داشت. بیشترین وجه و هدایای عثمانی‌ها به خوانین آذربایجان و داغستان، پس از خان قبه به ابراهیم خلیل خان تعلق داشت (Osmanli belgelerinde Karabağ, 2009: 433; Belgeleri, 1992: 1/126).

اعلان جنگ عثمانی به روس‌ها و نقش خان قراباغ

دولت عثمانی پس از برقراری روابط فشرده با حکام آذربایجان و داغستان و هوشیار کردن آنان نسبت به توطئه روس‌ها در سال ۱۲۰۱ق/۱۷۸۷م، در اعتراض به اشغال قریم و دست‌نشاندهی خان تغلیس، علیه آن دولت اعلان جنگ داد (وقعه حمیدیه، ۱۲۸۹: ۳۹؛ کامل‌پاشا، ۱۳۲۷: ۲۲۷/۲). بنا بر مقتضای مصلحت، برای اطلاع ممالک اسلامی، از سوی صدراعظم عثمانی نامه‌هایی با مضمون نقض عهدنامه دوجانبه از سوی روسیه و توطئه آن دولت با اتریش علیه عثمانی را به امرای داغستان و خان‌های ایران ارسال کرد و همکاری آنان را براساس فتوای شرع اسلام خواستار شد (وقعه حمیدیه، ۱۲۸۹: ۳۹). سلطان عثمانی نیز به حکام آذربایجان فرمانی بدین مضمون ارسال کرد: «والی گرجستان با پادشاه روس در ساخته، راه مداخلت آن فرقه را به تغلیس می‌گشاید. هرگاه این اراده از قوه به فعل آید، اهالی روم و ایران را مسلمانی مشکل دست دهد. باید که خوانین برای گرفتن گرجستان اتفاق نمایند. اگر ایشان را خزینه و لشکر ضرور گردد، از دولت دوران عدت ما به هیچ‌وجه مضایقه نخواهد بود. آماده باشند و اعلام کنند که لشکر و خزانه با پاشایان ذوالاقتدار به سمت گرجستان فرستاده شود» (دنبلی، ۱۳۴۲: ۹۸). او برای خوانین خلعتی با اسب و یراق به همراه محمدصالح افندی ارسال کرد (همان، همان‌جا). البته به نوشته دنبلی: «حکام و ولات آذربایجان را کجا استعداد و سعادت در اقدام این کار بود و درین کار کدام، کدام‌یک را متابعت می‌نمود» (همان‌جا).

مانع اصلی عثمانی در تشکیل قوای نظامی از سوی حکام آذربایجان به منظور اتحاد دیانت اسلامی علیه روس‌ها، وجود اختلاف بین آنان به‌ویژه ابراهیم خلیل خان و فتحعلی خان قبه بود. هر دو مدعی تشکیل حکومت بودند و برای رسیدن به این هدف و حذف همدیگر، به ائتلاف با دیگر خوانین روی آوردند (باکیخانوف، ۱۳۸۳: ۱۹۱؛ Osmanli belgelerinde Karabağ, 2009: 439). در این میان، فتحعلی خان جاه‌طلب‌تر از دیگران بود و به هوس مقام شاهی شخصی را پیدا کرد و به ادعای جلوس تخت سلطنت ایران برآمد (جودت‌پاشا، ۱۲۹۶: ۱۱۰۸/۳). او در سال ۱۱۹۸ق/۱۷۸۴م. با علم کردن شخصی به نام شاهزاده عباس میرزا، با ادعای انتساب به خاندان صفوی سعی در شاهی وی در اردبیل داشت، اما با مخالفت

ابراهیم خلیل خان و خوانین دیگر مواجه شد. والی چلدیر نیز برای پی بردن به اصل این ماجرا، سفرایی نزد خانان قراباغ و خوی اعزام کرد (Osmanli belgelerinde Karabağ, 2009: 425,) (430). حتی محمد صالح افندی ایلچی عثمانی، به سال ۱۲۰۲ق/۱۷۸۸م. با مأموریت ابلاغ حکم و عطیه سلطان با هدف تشویق خوانین آذربایجان و داغستان به تخریب راه آنانور و قلاع روسی در گرجستان و چرکستان، وارد منطقه شد و با توقف چند روزه در شوشا، گزارشی از روابط خصمانه خان قبه با خان قراباغ و احتمال وقوع درگیری میان آنان را به مقامات عثمانی داد (Ibid: 440-441). ایلچی عثمانی، «عم خان» حاکم لزگی و متحد خان قراباغ را تنها فرد آماده برای اجرای حکم سلطان عثمانی در جنگ با روس-گرجی اعلام کرد. همچنین ابراهیم خلیل خان را به لحاظ تمکن مالی و کثرت قوای نظامی، برتر از سایر خوانین ذکر کرد و اینکه حکام بین خوی تا شوشا تحت اطاعت او قرار دارند و «حق الانصاف در آذربایجان بیش از دیگران نسبت به دولت علیه ابراز خدمات نموده و دشمنی او با خان تفلیس هم آشکار است» (Ibid).

خان قراباغ در پاسخ به سفر ایلچی عثمانی، بار دیگر میرزا محمد بیگ را در سال ۱۲۰۲ق/۱۷۸۸م. به دربار عثمانی روانه کرد. ابراهیم خلیل خان ضمن اعلام وصول منشور سلطانی و عطایای همایونی، خود را در دایره اطاعت عثمانی و در زمره ممالک روم محسوب کرد و از اتحاد خود با پاشاهای مرزی و عدم قطع رسل و رسایل با آنان خبر داد و متعهد به دفاع از اهل اسلام در مقابل تجاوز ارکلی خان شد (Osmanli arşiv belgelerinde Nahçıvan, 2011: 94). همچنین خبر دفع تهاجم قوای گرجی به نخجوان را به عثمانی ها گزارش داد و نوشت: «ارکلی خان با قوای کثیر از گرجیه و اروسیه وارد ایروان شد و چون اهالی ایروان تابع کفره گرجیه اند، با او متفق شدند و با قوای هشت هزار نفری از گرجی، روسی و ایروانی به بلده نخجوان هجوم بردند، اما خداوند لایزال عساگر اسلام را نصرت بخشید و به شکست و انهزام قوای کفره منجر گردید» (Ibid: 94; belgeleri, 1993: 2/78, 82). همچنین آنان را در جریان کوچاندن ایلات مسلمان قزاق و شمس الدین لو از توابع گرجستان به قراباغ قرار داد (نصیری، ۱۳۶۶: ۴/۱؛ Osmanli arşiv belgelerinde Nahçıvan, 2011: 94). خان قراباغ خبر لشکرکشی عم خان حاکم لزگی و امرای داغستان به عزم جهاد فی سبیل الله به گرجستان را نیز به اطلاع سلطان عثمانی رساند و اعلام کرد که تمام حکام آذربایجان تحت اطاعت او قرار دارند (Osmanli arşiv belgelerinde Nahçıvan, 2011: 94). در انتهای نامه نیز خواستار روشن شدن وضعیت ایروان شد و افزود: «استدعای ما این است که اهالی ایروان به جرم تبعه گرجیه کفار واجب التنبیه و التأدیب هستند. درباره آنان هر فرمانی مترتب شود، تابع و مطیع اند»

و به اذن الله تعالی فرمان واجب‌الاذعانۀ موافق در جزای اعمال آنان صادر شود» (Ibid). دولت عثمانی در مقابل این تقاضای خان قراباغ، درصدد حل اختلاف او با خان ایروان برآمد و تنش آنان را منافی جنگ با روس‌ها می‌دانست. پاشای بایزید به امر عثمانی مأمور وساطت آنان شد (قدسی ایروانی، [بی‌تا]: ۱۲۹-۱۳۰)، اما حاکم ایروان در پاسخ به پیشنهاد سازش پاشای بایزید با ابراهیم خلیل خان، شروط سازش را منوط به عدم تضاد با منافع خان تفلیس و شناسایی جعفرقلی خان کنگرلو به عنوان حاکم نخجوان از سوی خان قراباغ اعلام کرد (۱۲۰۲ق/۱۷۸۸م) (Osmanli arşiv belgelerinde Nahçıvan, 2011: 97, 99; Belgeleri, 1993: 2/86). در این مقطع زمانی، خان ایروان تابع سیاست‌های خان تفلیس بود و این پاسخ او بر عدم گسست از ائتلاف روس-گرجی، به نزاع و درگیری پاشای بایزید با خان ایروان نیز انجامید (قدسی ایروانی، [بی‌تا]: ۱۲۹-۱۳۰).

ابراهیم خلیل خان در سال ۱۲۰۲ق/۱۷۸۸م. ایلچی حاکم قبه را در راه دستگیر کرد و مورد بازجویی قرار داد و ماحصل این استنطاق را به حکومت عثمانی ابلاغ کرد. او پس از اطلاع از اطاعت و همکاری خان قبه با روس-گرجی، فتحعلی خان را به جرم همکاری با دشمنان اسلام به خیانت متهم کرد. طبق گزارش خان قراباغ، فتحعلی خان متعهد به تسلیم قلعه دربند و مشارکت نظامی با خان تفلیس در تسخیر ایران و عثمانی با دولت روسیه شده بود و در مقابل از روس‌ها انتظار رفتار و پاداش برابر با خان تفلیس را داشت (Osmanli arşiv belgelerinde Nahçıvan, 2011: 98). به نوشته باکیخانوف، فتحعلی خان به خیال انتظام امور آذربایجان و ایران، با ارکلی خان والی گرجستان «بنای ملاقات و مشاوره گذاشت و به امید حمایت از دولت روس موضعه تدبیرات کردند» (۱۳۸۳: ۱۹۴). گزارش جاسوسان عثمانی نیز حکایت از اتحاد خان قبه با حاکم تفلیس و اعلام تبعیت از روس‌ها داشت (Belgeleri, 1992: 1/136).

ابراهیم خلیل خان در سال ۱۲۰۲ق/۱۷۸۸م. در نامه‌ای به سلطان عثمانی، بار دیگر اطاعت خود را اعلام و آمادگی خود در راه جهاد فی سبیل الله علیه دشمنان اسلام را ابراز کرد و از همکاری فتحعلی خان با حاکم گرجستان و دشمنی مشترک آنان علیه خود انتقاد کرد و آن را مغایر با دین اسلام و حکم سلطان عثمانی دانست (Osmanli belgelerinde Karabağ, 2009: 442-443). دولت عثمانی با توجه به اختلاف خان قراباغ با حاکم قبه، آنان را براساس دین اسلام به همکاری با یکدیگر و دوری از حرکات مغایر با رضای الهی دعوت کرد (Ibid: 436). خان قراباغ همچنین از قصور سلیمان پاشا در حمله به تفلیس انتقاد کرد و افزود زمانی که قوای روسی-گرجی مشغول محاصره گنجه بودند، او با قوای قراباغی تا ناحیه شمس‌الدین‌لو در نزدیکی گنجه پیشروی کرد و منتظر اقدام والی چلدر ماند، اما سلیمان پاشا از این فرصت برای

تسخیر تغلیس استفاده نکرد. او با اظهار تعجب از انفعال والی چلدر، فرصت‌سوزی در دفع دشمن دین را جایز ندانست و رفتارش را منافی با فرمان سلطان مبنی بر سرعسگری سلیمان‌پاشا و همکاری و ارتباط با او در دفع دشمنان اسلام عنوان کرد (Ibid: 442-443). حتی در اعتراض به این رفتار والی چلدر، سفیری به عثمانی ارسال و سلیمان‌پاشا را به جرم سازش با خان تغلیس به خیانت متهم کرد و خواستار عزل او از سرعسگری ولایت چلدر شد (۱۲۰۲ق/۱۷۸۸م) (Ibid: 444, 448)، اما دولت عثمانی پس از کشف حقیقت ماجرا، پی برد سلیمان‌پاشا به سبب کهولت سن و بیماری قادر به انجام عملیات نظامی علیه گرجی‌ها نبوده و با خان تغلیس هم مصالحه ترتیب نداده است (Ibid). از این رو، به سبب فتور و سوء مزاج سلیمان‌پاشا و احتمال قصور در انجام مأموریت، مقام سرعسگری را به پاشای ارضروم محول کردند (Ibid: 447). البته این امر در ایجاد بی‌اعتمادی خان قراباغ به عثمانی نقش داشت.

سلطان عثمانی در سال ۱۲۰۲ق/۱۷۸۸م. در نامه‌ای برای رفع کدورت و دلجویی از ابراهیم خلیل‌خان، او را خان حمیت‌نشان خطاب کرد و پس از اشاره به ارسال هدایای همایونی و تبادل سفرا و نامه فیما بین، به او خاطر نشان کرد: «آبا و اجداد شما همواره پشتیبان سلطنت عثمانی بوده‌اند، شما نیز رویه اجدادتان را ادامه دهید و در راه خدمت به دین و دولت عثمانی جانفشانی کنید» (Osmanli belgelerinde Karabağ, 2009: 445; Belgeleri, 1992: 1/140). در ادامه، سلطان با اشاره به نیت پلید خان تغلیس و روس‌ها به منظور ضربه به دنیای اسلام، بر ضرورت قلع و قمع آنان تأکید و خاطر نشان کرد هر نوع مأموریتی که از سوی دولت عثمانی صادر شود، باید با تمام قدرت به انجام آن اقدام شود. او با تحریک غیرت و حمیت دینی خان قراباغ، دستور تهیه قوا برای جنگ با کفار را داد (Ibid: 445; Ibid: 1/141-142). سپس به عدم پایبندی روس‌ها به مصالحه دو جانبه اشاره کرد و اقدام آنان در استیلای قریم و آزار و اذیت مسلمان آن نواحی را مغایر با شروط مصالحه و حمیت اسلامی دانست و با استناد به فتوای علمای اسلام بر نجات آنان، ضرورت جنگ علیه روس‌ها را به خان قراباغ اعلام کرد (Osmanli belgelerinde Karabağ, 2009: 445). سلطان عثمانی اقدام خود را جهاد فی سبیل‌الله، اجرای فریضه غزا و احیای سنت رسول خدا دانست و از انتصاب شهباز‌گرای خان^۱ حاکم قوبان، به عنوان فرمانده نظامی قبایل قبارطای و چرکس برای حمله به نیروهای روسی یاد کرد و از او خواست در معیت خان قوبان به ممالک دشمن تجاوز کند و به خدمات جهاد و فریضه غزا قیام کند (Ibid). در پایان از خان قراباغ خواست به محض دریافت نامه، قوای

۱. شهباز‌گرای خان در سال ۱۲۰۱ق/۱۷۸۷م. از سوی سلطان عبدالحمید عثمانی به منصب خانی قریم منصوب شد و در جنگ عثمانی-روس، فرماندهی تاتارهای قریم را برعهده داشت (حلیم‌گرای، ۱۲۸۷: ۱۲۳-۱۲۷).

حوزه حکومتش را جمع کند و به اتفاق دیگر خانان آذربایجان و داغستان، از مسیر مناسب به سوی قبارطای حرکت کنند و از آنجا به اردوگاه شهبازگرای ملحق شوند (Osmanli belgelerinde Karabağ, 2009: 446; Belgeleri, 1992: 1/143).

گفتنی است ابراهیم خلیل خان برای مقابله با قوای روسی-گرجی، نیازمند کمک نظامی عثمانی بود و اعلام کرد در صورت عدم تحقق کمک نظامی، امکان دارد خوانین تحت امرش به روس‌ها گرایش پیدا کنند. لذا در صورت وقوع این امر، او نیز از سر ناچاری با روس‌ها سازش خواهد کرد (Ibid: 449; Ibid: 1/147)، اما عثمانی‌ها در مقابل اظهار داشتند: «روس‌ها بیشتر درگیر محال قوبان هستند و امکان حمله آنان به ممالک آذربایجان بسیار پایین است. همچنین علت عدم ارسال قوای نظامی به خان قراباغ را تشدید درگیری قوای عثمانی با روس‌ها در حوالی قوبان ذکر کردند و افزودند در صورت تهاجم به آن ناحیه از خاک دشمن، پیروزی مسجل خواهد شد؛ به شرطی که تمرکز قوای عثمانی را به آن سو معطوف کنیم تا با کمک قبایل چرکستان و قبارطای روس‌ها را شکست دهیم» (۱۲۰۴ق/۱۷۹۰م) (Osmanli belgelerinde Karabağ, 2009: 449). سلطان دوباره خان قراباغ را با جملاتی چون «صدق و خلوص شما از ایام سابق بر دولت عثمانی معلوم است» و «در راه سعادت دولت علیه با جان و دل خدمت خواهید کرد» مورد لطف و نوازش قرار داد (Ibid). با تحریک احساسات دینی خان قراباغ، خواستار همکاری با یوسف پاشا سرعسگر عثمانی شد و از او خواست با قوای خود به خاک دشمن حمله کند (Ibid).

با وجود تبادل مکاتبات، سفرا و تحریک سلطان عثمانی به جنگ علیه روس‌ها، ابراهیم خلیل خان قراباغی اقدامی انجام نداد؛ زیرا خان قراباغ از بنیه مالی-نظامی قوی برای حضور در چنین عملیات نظامی دشواری برخوردار نبود و قابلیت نظامی او تجاوز به قلمرو خان تغلیس بود. علاوه بر آن، بُعد مسافت و دوری میدان‌های جنگ از قلمرو او و عبور از مسیرهای خطرناک کوهستان چرکستان و گرجستان، کاری خارج از توانایی او بود. وجود دشمنان و رقبای محلی، امکان مشارکت او را هم سلب می‌کرد؛ زیرا در صورت غیاب او، امکان تصرف قراباغ از سوی آنان وجود داشت. خصومت آنان به اندازه‌ای شدید بود که در صورت مشارکت یکی از خوانین با قوای خود علیه روس‌ها، دیگر خوانین از این فرصت استفاده می‌کردند و از پشت به او ضربه می‌زدند (Saydam, 1997: 26). ابراهیم خلیل خان با دشمن داخلی، یعنی ملوک خمسه با خاستگاه مسیحی نیز روبه‌رو بود و این اقلیت دینی-قومی سکته قراباغ برای تشکیل دولت ارمنی با حمایت روسیه در تکیا بودند (Armenians and Russia (1626-1796), 2001: 285-287). خان قراباغ از مکاتبات و

همکاری آرامنه با روس‌ها خبر داشت. آرامنه همواره با مشاهده تهدید حکمرانی خاندان جوانشیر از سوی قدرت جدید، به سان ستون پنجم عمل می‌کردند (رافی، ۱۳۸۵: ۶۰). علاوه بر آن، سایه تهدید فزاینده قدرت جدیدی به نام آقا محمدخان قاجار (۱۲۰۵ق/۱۷۹۱م) از سمت مرزهای جنوب، عامل مهم دیگری بود (ساروی، ۱۳۷۱: ۱۹۴؛ موسوی نامی، ۱۳۶۸: ۳۳۲). از این رو، خان قراباغ با ارزیابی تحولات منطقه و حفظ حکومت خود، به تقاضای حکم جهادی سلطان عثمانی در نواحی چرکستان پاسخ منفی داد. عثمانی‌ها نیز به سبب ضعف دیپلماسی نتوانستند جبهه‌ای از آنان علیه روس‌ها تشکیل دهند؛ زیرا فراتر از ارسال هدایا و وعده، دست به اقدام عملی نرزد بودند (Saydam, 1997: 32). جنگ عثمانی-روس نیز با معاهده صلح «یاش» (۱۲۰۶ق/۱۷۹۲م) پایان یافت. طبق این قرارداد، دولت عثمانی قریم را به عنوان بخشی از خاک روسیه به رسمیت شناخت و با پذیرفتن تحت‌الحمایگی گرجستان توسط روس‌ها، متعهد به عدم تجاوز در گرجستان شد (گوگچه، ۱۳۷۳: ۲۱۷).

ورود ایران به قفقاز و تکاپوی خان قراباغ برای جلب دولت عثمانی

تهدید قلمرو حکمرانی ابراهیم خلیل خان قراباغی از سوی آقامحمدخان قاجار سبب شد تا خان قراباغ برای مقابله با این خطر رو به عثمانی آورد. به نوشته جودت‌پاشا، خوانینی که تحت تأثیر هجوم ایران و روسیه قرار می‌گرفتند، به حمایت عثمانی راغب بودند (۱۳۰۷: ۵۶). این بار ابراهیم خلیل خان به منظور تعمیق روابط با دولت عثمانی به تقلا افتاد و سعی کرد پای آن دولت را به تحولات سیاسی آذربایجان باز کند. از این رو، سید عبدالله چلبی را در سال ۱۲۰۹ق/۱۷۹۵م. با نامه‌ای به دربار عثمانی اعزام کرد (نوری افندی، [بی‌تا]: ۳۸؛ جودت‌پاشا، ۱۲۹۶: ۱۷۹/۶). خان قراباغ دوباره با استناد به آیه *اولی الامر، اطاعت از سلطان جدید عثمانی* را اعلام و روابط دوستانه خود با سلاطین سابق را یادآوری کرد و خواستار قرار دادن او در جرگه خدمتگزاران دولت عثمانی شد (نصیری، ۱۳۶۶: ۱/۱؛ Osmanli belgelerinde 210: 210). ابراهیم خلیل خان با تشریح تحولات داخلی ایران و ظهور آقا محمدخان، از عثمانی‌ها کمک خواست (نوری افندی، [بی‌تا]: ۳۸؛ جودت‌پاشا، ۱۲۹۶: ۱۸۰/۶) و با گلایه اظهار داشت: «خلق ایران چه جرم و گناهی کرده‌اند که شاهنشاه اعظم عنایات و نوازش‌های خود را ارزانی نداشته و سایه سعادت‌پیرای خود را بر خاک ایران نگسترانیده است» (نصیری، ۱۳۶۶: ۱/۱؛ Osmanli belgelerinde Karabağ, 2009: 450). سلطان عثمانی همچون روال سابق، منشوری بر قرار دادن او در جرگه بندگان عثمانی ارسال کرد (Ibid: 451)، اما در قبال تقاضای کمک خان قراباغ، به مصالحه سال ۱۱۵۹ق/۱۷۴۶م. با

حکومت ایران اشاره و خاطرنشان کرد این قرارداد مخصوص شاه و خانان ایران نیست، بلکه مرتبط با کل اهالی ایران زمین است. تاکنون از سوی آقا محمدخان قاجار نیز اقدامی مغایر با قرارداد مزبور و نقض هم‌جواری انجام نشده است. با این حال، به پاشاهای مرزی دستور داد در صورت تهاجم خان قاجار و به تبع آن فرار اهالی و ایلات قراباغ و آذربایجان به مرزهای عثمانی، مانع نشوند و زمینه استقرار آنان را فراهم کنند (جودت‌پاشا، ۱۲۹۶: ۱۸۰/۶؛ نوری افندی، [بی‌تا]: ۳۸). عثمانی‌ها از میزان قدرت خان قاجار و چگونگی برخورد او با خودشان اطلاع چندانی نداشتند. از این رو، دستوراتی درباره احتیاط در عدم نقض معاهده صلح با ایران و حمایت از خان‌های آذربایجان و تقویت پادگان‌های مرزی از حیث مهمات و آذوقه به پاشاهای مرزی دادند (جودت‌پاشا، همان‌جا؛ نوری افندی، همان‌جا). با این حال، عثمانی‌ها پس از شکست‌های متمادی از روسیه و تحلیل قوای نظامی و ضعف بنیه مالی و مشکلات داخلی، به درگیری جدید با دولت ایران مایل نبودند (جودت‌پاشا، ۱۲۹۶: ۱۸۳/۶، ۲۱۵)، بلکه حضور دولت نوپای ایران را برای مقابله با توسعه‌طلبی روس‌ها در منطقه به دیده مثبت می‌نگریست.

عثمانی‌ها به‌رغم خروج از صحنه تحولات قفقاز، کماکان از طریق پاشاهای هم‌جوار از چگونگی تحولات آذربایجان به‌ویژه قراباغ باخبر بودند؛ چنان‌که در سال ۱۲۱۱ق/۱۷۹۷م. والی ارضروم تهاجم قوای قاجار به قراباغ و فرار ابراهیم خلیل خان به داغستان و قتل آقا محمدخان در شوشا را به دولت متبوع خود اطلاع داد (نوری افندی، [بی‌تا]: ۱۴۲). احمدبیگ جوانشیر عدم دریافت کمک از دولت عثمانی را عامل فرار خان قراباغ دانسته بود؛ زیرا آن دولت در قبال تقاضای کمک خان قراباغ، فقط به ارسال هدایا بسنده کرد (Cavanşir, 2006: 189). آقا محمدخان نیز به تلافی این اقدام خان قراباغ، علی‌محمدآقا ایلچی ابراهیم خلیل خان به دربار عثمانی را به قتل رساند (Ibid: 190). والی چلدر در سال ۱۲۱۲ق/۱۷۹۸م. در گزارشی به عثمانی، از وصلت سیاسی صبیبه ابراهیم خلیل خان با فتحعلی شاه حاکم جدید ایران و ارسال فرزندش به نشانه گرو به دربار ایران خبر داد (Osmanlı belgelerinde Karabağ, 2009: 452-454). در این برهه، دول ایران و روس به آشکال مختلف سعی در جلب خان قراباغ داشتند و به او پیشنهاد تحت‌الحمایگی دادند. خان قراباغ که سایه سنگین تهدید آن دو را از سوی مرزهای شمال و جنوب حس می‌کرد، این بار هم برای حفظ حکمرانی خود به عثمانی متمایل شد. او با نوشتن نامه‌ای به سلطان سلیم عثمانی در سال ۱۲۲۱ق/۱۸۰۶م، ضمن اشاره به گرایش خوانین قبه و ایروان به روس‌ها، پابندی و وفاداری مجدد خود به روابط «ابدی القیامه» با حکومت عثمانی را اعلام کرد. خان قراباغ سوابق مختصری از جنگ‌های مستمر خود با گرجی‌ها و تحمل خسارت مالی و جانی در این راه را به سلطان جدید یادآوری کرد و آن را

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء^(س)، سال ۳۲، شماره ۵۴، تابستان ۱۴۰۱ / ۱۰۱

ادای فریضة دینی طبق حکم سلاطین سابق عثمانی دانست (Ibid: 456). او ضمن گلابیه به سلطان عثمانی اظهار داشت: «بنده اخلاص شعار سه سال است که در راه اخلاص ثابت قدم هستم و در راه غزوات نشستم، اما چه سود که این ولایت تعلق به دولت علیّه دارد تا حال خراب شده است و بعد از این هم خراب خواهد شد» (نصیری، ۱۳۶۶: ۴/۱-۵). خان قراباغ از حکومت عثمانی تقاضای قوای نظامی و جذب لژگی‌ها را داشت تا متفقاً قوای گرجی-روس را نابود کنند و در غیر این صورت اجازه دهد «برای حفظ ولایت به طریق‌الصلح خیر سالک شویم» (همان، ۵/۱)؛ زیرا به سبب عدم عنایت و الطاف سلطان عثمانی و تأخیر خروج قوای آن دولت، دیگر خوانین آذربایجان از جرگه اتحاد او خارج خواهند شد (همان‌جا).

به‌رغم قتل ابراهیم خلیل‌خان به سال ۱۲۲۱ق/۱۸۰۷م. به دست روس‌ها، طوطی‌خانم دختر خان قراباغ، نامه‌ای با موضوع کمک به دولت عثمانی ارسال کرد و اطاعت از اولی‌الامر را واجب دانست و پدرش را شهید راه اسلام خطاب کرد که به حکم خلیفه عثمانی چندین سال با کفار گرجی-روس به غزا و جهاد مشغول بود و عاقبت جان خود را در این راه فدا کرد (Osmanli belgelerinde Karabağ, 2009: 460).

نتیجه‌گیری

نخستین گام در برقراری روابط با ابراهیم خلیل‌خان قراباغی را دولت عثمانی برداشت. در واقع، این دولت با از دست دادن خانات قریم و با توجه به تحرکات تدریجی روس‌ها و تلاش آنان برای جلب حکام مسیحی، موقعیت خاص قفقاز و به تبع آن تأمین امنیت مرزهای آناتولی، برای مقامات عثمانی نمایان شد. عثمانی‌ها برای توقف سیاست توسعه‌طلبی روسیه، به برقراری روابط با خان قراباغ اقدام کردند تا از طریق نفوذ معنوی خویش به عنوان خلیفه مسلمانان، او را تحت لوای اسلام به جهاد علیه روس‌ها وادارند، اما عثمانی‌ها در تحقق این هدف با مشکلاتی چون عدم آگاهی خان قراباغ از ماهیت سیاست توسعه‌طلبی روسیه و رقابت و دشمنی او با دیگر حکام محلی مواجه بودند. در مقابل، هدف خان قراباغ از ایجاد روابط، حفظ استقلال حکمرانی و رفع تهدید قدرت‌های روس-ایران و ایجاد توازن قوا در برابر حاکم گرجی بود. از این رو، مؤلفه‌های پیوند فرهنگی-مذهبی، تهدید و دشمن مشترک، شاکله روابط دوجانبه را تشکیل می‌داد و باعث هم‌گرایی آنان شد، اما فقدان سیاست عمل‌گرای از دو طرف، مناسبات را از سطح تبادل سفرا و نامه ارتقا نبخشید. سیاست‌های وعده و وعید مکرر، ارسال هدایا و عدم اقدام عملی در حمایت از قراباغ در مقابل دشمنان محلی-منطقه‌ای از سوی عثمانی‌ها، باعث ناامیدی و بی‌اعتمادی ابراهیم‌خان شد. همچنین توقع خارج از توان نظامی-

مالی خان قراباغ به منظور مشارکت جنگی علیه روس‌ها در نواحی چرکس و قریم از سوی دولت عثمانی، در شکست سیاست عمل‌گرای نقش داشت. ترس از ترک قراباغ و تصرف آن از سوی رقبای محلی و بُعد مسافت عملیات نظامی نیز مزید بر علت بود. در واقع، سیاست همراهی ابراهیم خلیل خان قراباغی با دولت عثمانی، به اقتضای شرایط سیاسی منطقه قابل انعطاف و متغیر بود. او متناسب با منافع و حسب نیاز، وارد روابط سیاسی با دولت عثمانی و دیگر دول می‌شد. بدین‌گونه ابراهیم خلیل خان در جنگ عثمانی-روس به‌رغم فرمان سلطان عثمانی، از مشارکت در این جنگ کنار کشید، اما زمانی که با تهدید الحاق‌گرایی حکومت قاجار مواجه شد، دوباره به تکاپوی دریافت کمک از دولت عثمانی افتاد که حاصل آن حمایت لفظی آن دولت بود. بنابراین منافع مشترک اساس هم‌گرایی و منافع فردی اساس واگرایی آنان را شکل می‌داد.



منابع و مأخذ

الف. کتب و مقالات

- آصف، محمدهاشم (۱۳۵۲)، *رستم‌التواریخ*، تهران: امیرکبیر.
- اسعد افندی، احمد (۱۳۲۱)، *مختصر تاریخ عثمانی*، استانبول: [بی‌نا].
- باکیخانوف، عباسقلی آقا (۱۳۸۳)، *گلستان ارم*، تهران: ققنوس.
- جوانشیر قره‌باغی، میرزا جمال (۱۳۸۴)، *تاریخ قره‌باغ*، تهران: وزارت امور خارجه.
- جودت‌پاشا، احمد (۱۲۹۶)، *تاریخ جودت*، ج ۱، ۲، ۳، ۶، استانبول: مطبعة عامره‌سی.
- _____ (۱۳۰۷)، *قریم و قافقاس تاریخچه‌سی*، قسطنطنیه: مطبة ابوالضیا.
- حلیم‌گرای (۱۲۸۷)، *گلبن‌خانان*، استانبول: مطبع عامره.
- دنبلی، عبدالرزاق بیگ (۱۳۴۲)، *تذکره نگارستان دارا*، تبریز: کتاب آذربایجان.
- راسم، احمد (۱۳۲۷-۱۳۲۹)، *رسملی و خریطلی عثمانلی تاریخی*، ج ۳، استانبول: اقبال کتابخانه‌سی حسین.
- رافی، هاکوپ ملیک هاکوپیان (۱۳۸۵)، *ملوک‌خمسه*، ترجمه آرا در استپانیا، تهران: مؤسسه جهان کتاب.
- ساروی، محمد فتح‌الله (۱۳۷۱)، *تاریخ محمادی*، تهران: امیرکبیر.
- شرف، عبدالرحمن (۱۳۱۵)، *تاریخ دولت عثمانیه*، ج ۱، استانبول: قره‌بت مطبعه‌سی.
- صدقی، ناصر و محمد عزیزنژاد (زمستان ۱۳۹۲)، «تحوالات داخلی گرجستان و حمله گرجیان به آذربایجان در عصر دوم سلجوقی (۵۱۵-۶۲۲ق)»، *فصلنامه تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء*، سال ۲۳، دوره جدید، شماره ۱۱۰، صص ۸۸-۱۰۷.
- عزیزنژاد، محمد (۱۳۹۵)، «مناسبات خان‌های ایروان با حکومت‌های ایران، عثمانی، روسیه و گرجستان از پایان دولت نادرشاه افشار تا عهدنامه ترکمانچای (۱۱۶۰-۱۲۴۳ق/۱۷۴۷-۱۸۲۸م)»، رساله دکتری، دانشگاه تبریز.
- _____ (زمستان ۱۳۹۸)، «مواضع حسینعلی‌خان ایروانی در اختلاف دولت عثمانی و کریم‌خان زند در مسئله بصره (۱۱۸۰-۱۱۹۳ق)»، *مجله تاریخ روابط خارجی*، سال ۲۱، شماره ۸۱، صص ۲۹-۵۴.
- قراباغی، میرزا یوسف (۱۳۹۰)، *تاریخ صافی*، تهران: مؤسسه تاریخ معاصر.
- کامل‌پاشا، صدر اسبق (۱۳۲۷)، *تاریخ سیاسی دولت علیه عثمانیه*، ج ۲، استانبول: مطبعه احمد احسان.
- گوگچه، جمال (۱۳۷۳)، *قفقاز و سیاست امپراتوری عثمانی*، ترجمه وهاب ولی، تهران: وزارت امور خارجه.
- موسوی نامی، میرزا محمد (۱۳۶۸)، *تاریخ گیتی‌گشا*، تهران: اقبال.
- مرشدلو، جواد (تابستان ۱۳۹۸)، «الکسی پتروویچ یرملوف و مدیریت استعمار تزاری در جنوب قفقاز (۱۲۳۱-۱۲۴۲/۱۸۱۶-۱۸۲۷)»، *فصلنامه تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء*، سال ۲۹، دوره جدید،

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)، سال ۳۲، شماره ۵۴، تابستان ۱۴۰۱ / ۱۰۹

شماره ۴۲، (پیاپی ۱۳۲)، صص ۱۴۹-۱۷۱.

نصیری، محمدرضا (۱۳۶۶)، اسناد و مکاتبات تاریخی ایران (قاجاریه)، ج ۱، تهران: انتشارات کیهان.
وقعه حمیدیه (۱۲۸۹)، استانبول: بصیرت مطبوعه سی.

ب. نسخه‌های خطی

قدسی ایروانی، محمد مسلم [بی تا]، مکاتبات حسینعلی خان قاجار ایروانی، نسخه خطی، مؤسسه علوم تاریخی باکیخانوف آذربایجان، شماره میکروفیلم ۷۴۱۵.
نوری افندی، خلیل [بی تا]، نوری تاریخی، نسخه خطی، کتابخانه دانشگاه استانبول، شماره‌های ۶۰۰۰ و ۶۰۰۱.

پ. منابع لاتین

- Armenians and Russia (1626-1796) adocumentary record (2001), Translation by George Bournoutian, USA: Mazda Publishers.
Butkov, P. (1869), *Materialy dlia novoi istorii kavkaza (1722-1803)*, v.II, Sankt Petersburg.
Cavanşir, Əhməd bəy (2006), *Qarabağ Xanlığının 1747-1805-ci illərdə siyasi vəziyyətinə dair*, Bakı: Elm.
Gvosdev, Nikolas (2000), *Imperial Policies and Perspectives Towards Georgia 1760-1819*, London: Macmillan.
Nəcəfli, Güntəkin (2002), *Azərbaycan xanlıqlarının Osmanlı dövləti ilə siyasi əlaqələri*, Bakı: Nurlan.
Oreshkova, Svetlana (2015), "The Caucasus and Transcaucasia as part of the Ottoman empire (16-17centuries)", *Review of Armenian Studies*, no.32, pp.209-223.
Osmanlı arşiv belgelerinde Nahçıvan (2011), Osmanlı Arşivi Daire Başkanlığı, İstanbul.
Osmanlı belgelerinde Azərbaycan (2015), TDBB yayinlari Araştırma inceleme, İstanbul.
Osmanlı belgelerinde Karabağ (2009), Osmanlı Arşivi Daire Başkanlığı, İstanbul.
Osmanlı devleti ilə Azərbaycan Türk Hanlıkları Arasındaki Münasibətlərə Dair Arşiv Belgeleri (1578-1914) (1992), C.I, Osmanlı Arşivi Daire Başkanlığı, Ankara.
Osmanlı devleti ilə Azərbaycan Türk Hanlıkları Arasındaki Münasibətlərə Dair Arşiv Belgeleri (1575-1918) (1993), C.II, Osmanlı Arşivi Daire Başkanlığı, Ankara.
Osmanlı devleti ilə Kafkasya, Türkiстан ve Kirim Hanlıkları Arasındaki Münasibətlərə Dair Arşiv Belgeleri (1687-1908) (1992), Osmanlı Arşivi Daire Başkanlığı, Ankara.
Saydam, Abdullah (1997), *Kirim ve Kafakas göçleri (1856-1876)*, Ankara: Türk tarih kurumu basimevi.

List of sources with English handwriting

- As'ad Effendī, Ahmed. (1904). *Moқтаşar Tariķ-e 'Otmānī*. Istanbul. [In Turkish]
- Aşef, M.H.(1973). *Rostan-ol-Tawarīķ*. (Ed.) Moshiri, M. Tehran: Amīr Kabīr Publication. [In Persian]
- Aziznejad, M.(2015). the relations of the khans of Yerevan with the governments of Iran, Ottoman, Russia and Georgia from the end of Nader Shah Afshar's government to the Treaty of Turkmanchai (1160-1243 AH/1747-1828 AD). *doctoral thesis*. Tabriz University. [In Persian]
- Aziznejad, M.(2018). The positions of Hossein Ali Khan Irvani in the dispute between the Ottoman government and Karim Khan Zand on the issue of Basra (1180-1193 A.H.). *History of Foreign Relations*. Year 21. No 81, pp. 54-29. [In Persian]
- Bakikhanov, Abbas Qoli Aqa.(2004). *Golestan-e Eram*. Tehran: Qoqnous. [In Persian]
- Cevdet Paşa, Ahmed.(1879). *Tārīkh-i Cevdet*. Istanbul: Matbaa-i Amire. [In Turkish]
- Cevdet Paşa, Ahmed.(1890). *Kırım ve Kafkas Tarikhçesi*. Istanbul: Matbaa-i Abu al-Ziyah. [In Turkish]
- Donboli, Abd al-Razzaq Beig.(1963). *Tađkere Negārestān-e Dārā*. Tabrīz: Ketāb-e Azarbaijan. [In Persian]
- Googcheh, J. (1994). *Caucasia and the policy of the Ottoman Empire*. Translated by Wahab Vali. Tehran: Ministry of Foreign Affairs [In Persian]
- Halim Giray. (1871). *Gülben-i Khanan*. Istanbul: Matbaa-i Amire. [In Turkish]
- Javanshir, Mirza Jamal. (2005). *Tārīķ-e Qarābāg*. (Ed.) Ahmadi, H. Tehran: Ministry of Foreign Affairs. [In Persian]
- Kamel Paşa, Sadr Asbeq. (1909). *Tārīķ-e siyāsī-e Dowlat-e 'Ellīyyeh 'Otmāniyeh*. Istanbul: Matbaa-e Ahmed Ehsan. [In Turkish]
- Morshedloo, Javad. (2018). A.P. Yermolov and His Administration of Russian Colonial Rule of Transcaucasia(1231/1816-1242/1827). *Al-Zahra University scientific-research quarterly of Islamic and Iranian history*. Year 29. No 42. pp. 171- 149. [In Persian]
- Musavi Nami Esfahani, M.S.(1989). *Tārīķ-e Gītī-goşā*. (Ed.). Nafisi,S. Tehran: Eghbal Publication. [In Persian]
- Nasiri, M.R.(1987). *Historical Documents and Correspondence of Iran (Qajar)*. Tehran: Kayhan Publication. [In Persian]
- Nouri Effendi, Khalīl. (No Data). *Noūrī Tārīķī*. Istanbul University Library manuscript, numbers 6000 & 6001. [In Turkish]
- Qarābāgī, Mīrzā Yusef.(2011). *Tārīķ-e şāfī*. (Ed.) Ahmadi, H. Tehran: Institute for the Study of Contemporary Iranian History. [In Persian]
- Qudsi Irvani, Mohammad Muslim. (no data). *Correspondence of Hossein Ali Khan Qajar Irvani*. Manuscript of Bakikhanov Institute of Historical Sciences of Azerbaijan, Microfilm No. 7415. [In Persian]
- Rafi. (2006). *Molūk-e kāmseh*. translated by Ara Darstepanian. Tehran: Jahan Kitab [In Persian]
- Rasim Effendī, Ahmed. (1909-1911). *Resimili ve Kharitali Osmanli Tarikhi*. Istanbul: Sahib ve Nâşiri Hüseyin [In Turkish]
- Saravi, M. T. (1992). *Tārīķ-e Moħammadī*. Tehran: Amīr Kabīr Publication [In Persian]
- Sedghi, N.& Aziznejad, M.(2013). Internal Events of Georgia and Georgian Invasion to The Azerbaijan in Second Seleucid Era(1121-1125). *Al-Zahra University Scientific-Research Quarterly on Islamic and Iranian History*. Year 23. No 110. pp. 107-88 [In Persian]
- Sharaf, Abdur Rahman. (1898). *Tārīķ-e Dowlet-e 'Otmāniyyeh*. Istanbul: Qarabot Matabaasi [In Turkish]

Waqqa Hamidiyeh. (1873). Istanbul: Basirt Matabaasi. [In Turkish]

English Source

Armenians and Russia (1626-1796) adocumentary record (2001), Translation by George Bournoutian, USA: Mazda Publishers.

Butkov, P. (1869), *Materialy dlia novoi istorii kavkaza (1722-1803)*, v.II, Sankt Petersburg.

Cavanşir, Əhməd bəy (2006), *Qarabağ Xanlığının 1747-1805-ci illərdə siyasi vəziyyətinə dair*, Bakı: Elm.

Gvosdev, Nikolas (2000), *Imperial Policies and Perspectives Towards Georgia 1760–1819*, London: Macmillan.

Nəcəfli, Güntəkin (2002), *Azərbaycan xanlıqlarının Osmanlı dövləti ilə siyasi əlaqələri*, Bakı: Nurlan.

Oreshkova, Svetlana (2015), “The Caucasus and Transcaucasia as part of the Ottoman empire (16-17centuries)”, *Review of Armenian Studies*, no.32, pp.209-223.

Osmanlı arşiv belgelerinde Nahçıvan (2011), Osmanlı Arşivi Daire Başkanlığı, İstanbul.

Osmanlı belgelerinde Azerbaycan (2015), TDBB yayınlari Araştırma inceleme, İstanbul.

Osmanlı belgelerinde Karabağ (2009), Osmanlı Arşivi Daire Başkanlığı, İstanbul.

Osmanlı devleti ilə Azerbaycan Türk Hanlıkları Arasındaki Münasibetlərə Dair Arşiv Belgeleri (1578-1914) (1992), C.I, Osmanlı Arşivi Daire Başkanlığı, Ankara.

Osmanlı devleti ilə Azerbaycan Türk Hanlıkları Arasındaki Münasibetlərə Dair Arşiv Belgeleri (1575-1918) (1993), C.II, Osmanlı Arşivi Daire Başkanlığı, Ankara.

Osmanlı devleti ilə Kafkasya, Türkiistan ve Kirim Hanlıkları Arasındaki Münasibetlərə Dair Arşiv Belgeleri (1687-1908) (1992), Osmanlı Arşivi Daire Başkanlığı, Ankara.

Saydam, Abdullah (1997), *Kirim ve Kafakas göçleri (1856-1876)*, Ankara: Türk tarih kurumu basimevi.



©2020 Alzahra University, Tehran, Iran. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC-ND 4.0 license) (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

Ibrahim Khalil Khan Javanshir Karabaghi's relations with the Ottoman government¹

Mohammad Aziznejad²
Fatemeh Jafarniya³

Received: 2022/02/10
Acceptance: 2022/05/12

Abstract

The occupation of the Crimea Khanate by the Russians and their gradual infiltration and advancement in the areas under the influence of the Ottoman government in the Caucasus endangered the security of the eastern borders of Anatolia. It revealed the sensitive position of the Caucasus for the Ottomans. At the local level, there was fierce competition between the Khan of Karabagh and the governor of Tbilisi, and with the patronage of the Georgian emissaries to the Russians, the balance of power in the Caucasus changed in his favor and to the detriment of Ibrahim Khalil Khan Karabaghi (1176-1221 AH/1762-1806 AD). The threat, Having a common enemy and the cultural-religious create the first foundation for the relations between Khan Karabagh and the Ottoman government. The authors to answer the question, what were the goals of the ruler of Karabagh and the Ottoman government in establishing relations with each other?

Maintaining the local government of Karabagh against the annexationist policy of Iran and Russia and creating a balance of power against the regional powers was one of the goals of the Khan of Karabagh. Countering the influence and expansionism of the Russians in the Caucasus and securing the borders of Anatolia with the help of the local governors with the slogan of Islamic unity was one of the main plans of the Ottomans near Khan Karabagh. Explaining the nature of the relationship between Ibrahim Khalil Khan Karabaghi and the Ottoman government and the problems facing these relations is one of the issues of this research. The research findings confirm that the lack of a pragmatic policy on the part of the two sides did not improve the relations between the two sides from the level of exchanging ambassadors and letters. The research is based on the descriptive-analytical approach, relying on the documents of the Ottoman print archive and Ottoman history sources.

Keywords: Azerbaijan, Ibrahim Khalil Khan Karabaghi, Iran, Ottoman, Russia

1. DOI:10.2251/hii.2022.39430.2625

2. PhD in the history of Islamic Iran (Corresponding author) Maziznejad63@gmail.com

3. Assistant Professor, Department of History, Faculty of Social Sciences, Payame Noor University, Tehran, Iran dr.jafarniya@gmail.com

Print ISSN: 2008-885X/Online ISSN:2538-3493